

مصاحبه "کاملیا انتخابی فرد" خبرنگار ایران مقیم آمریکا با

دکتر ابراهیم یزدی، دبیر کل نهضت آزادی ایران

در آستانه محاکمه بازداشت‌شدگان ملی- مذهبی

س- دادگاه اعضای دستگیر شده نهضت آزادی و ملی- مذهبی‌ها قرار است بزودی برگزار شود. آیا کیفرخواستی علیه آنها صادر شده و یا وکلای مدافع توانسته‌اند موکلین خود را ملاقات کنند؟

ج- تاکنون هیچیک از متهمین و یا خانواده‌های آنها از متن کیفرخواست اطلاع حاصل نکرده‌اند و چیزی نیز در این مورد منتشر نشده است. آنچه که تاکنون ما و مردم ایران در جریان آن قرار گرفته‌ایم بیانیه‌ها و مصاحبه‌هایی بوده که مسئولین دادگاه انقلاب و قوه قضائیه در جرأید عمومی عنوان کرده‌اند و این بیانیه‌ها که درحقیقت توجیهی بوده برای بازداشت این افراد نه تنها فاقد ارزش حقوقی است، بلکه به یک بیانیه سیاسی بیشتر شباهت دارد. در این بیانیه‌ها اولین اتهامی که متوجه نیروهای ملی- مذهبی، من جمله نهضت آزادی می‌باشد توطئه براندازی است. در حالی که مسئولان امنیتی کشور، یعنی وزیر اطلاعات در پاسخ به نمایندگان مردم در مجلس با صراحت این نظر دادگاه انقلاب را رد کرده و اعلام کرده که نهضت آزادی و سایر نیروهای ملی- مذهبی برانداز محسوب نمی‌شوند و به موجب قانون احزاب، وزارت کشور مسئول نظارت احزاب می‌باشد. وزارت کشور هم موضع وزارت اطلاعات را دارد و آن را تأیید کرده است. بنابراین اتهام وارد شده به افراد بازداشت شده به هیچ وجه وارد نیست.

اتهام دیگری که مطرح است و باز ما از طریق مصاحبه‌های دادگاه انقلاب از آن مطلع شده‌ایم، بیانیه‌های نهضت آزادی و سایر نیروهای ملی- هبی است. دادگاه بیانیه‌ها را موجب تشویش افکار عمومی دانسته است. در قانون هیچ تعریف دقیق و روشنی از تشویش‌افکار عمومی وجود ندارد. اگر منظور آن است که مردم را نسبت به مسئولین و یا سیاست‌ها و عملکردهای آنان دچار شک و تردید می‌نماید، قطعاً نوشته‌های روزنامه‌های جناح راست و حتی برخی بیانات مسئولین منتسب به این جناح بیشتر از هر گروه دیگری در کشور موجب تشویش افکار عمومی می‌شود و از آن بی‌معنی‌تر اتهام ایجاد اختلاف از طریق فعالیت‌های قانونی است. آیا شرکت در انتخابات و حمایت از جنبش اصلاحات موجب تشدید اختلاف شده‌است؟ نهضت آزادی ایران از آزادی تمامی مردم و از استقرار مردم‌الاری دفاع می‌کند و دفاع از این اصول، که در بندهای ۳-۵-۷ قانونی اساسی تعریف شده را وظیفه ملی و اسلامی خود دانسته و می‌داند. اگر این اقدامات گناه است، نهضت آزادی بار چنین گناهی را با میل و افتخار می‌پذیرد.

اتهام سومی که به ما نسبت داده می‌شود این است که نهضت آزادی تلاش می‌کند تا از طریق فعالیت‌های قانونی، میان مسئولین کشور اختلاف ایجاد کند. کیست که نداند میان مسئولین برجسته کشور اختلاف عمده و کلیدی وجود ندارد؟ قطعاً مواضع رئیس جمهور منتخب مردم پیرامون برخی مسائل کلیدی از جمله حق آزادی بیان و اجتماعات و از همه مهمتر حاکمیت مردم با دیدگاه‌های برخی دیگر از مسئولین کشور متفاوت است. این اختلافات را نیروهای ملی- مذهبی به وجود نیاورده‌اند. این اختلافی است که از ابتدای

انقلاب میان جناح‌های فعال انقلاب وجود داشته است. تنها پدیده جدید آن است که مردم از طریق مشارکت قانونی در انتخابات از اصلاح‌طلبی و از روشنفکری دینی حمایت کرده و موجب آن شده‌اند که جریان‌های متحجر و راست افراطی منزوی شوند. نهضت آزادی با توجه به کارنامه طولانی و پر سابقه ۵۰ ساله خود نشان داده که به طور طبیعی از جریان اصلاح‌طلبی حمایت کرده‌است، اما هیچکس نمی‌تواند آنها را متهم کند که اختلافات میان مسئولین کشور به خاطر وجود نهضت آزادی است. اتهام دیگری که به رهبری نهضت وارد شده تماس و دیدار با دیپلمات‌های خارجی مقیم تهران و یا شرکت در کنفرانس برلین (اسفند ۱۳۷۸) است. اسناد این مذاکرات و متن کامل سخنان اینجانب و مهندس توسلی در برلین تماماً موجود است. نهضت آزادی در هر شرایطی در داخل و یا خارج از ایران، منافع و مصالح ملی را به هر چیزی، منجمله منافع حزبی مقدم داشته است. در واقع باید گفت که سرکوب نیروهای ملی-مذهبی از جمله نهضت آزادی، سرکوب نیروهائی است که در طی ۵۰ سال گذشته صداقت و وفاداری خود را نشان داده‌اند و این خوش یمن نیست!

توجه و گرایش نیروهای جدید و جوان که به شدت از عملکرد حاکمیت دلمرده و دلزده شده‌اند به گروه‌های ضد انقلابی خارج از کشور معطوف خواهد شد و این توجه، آینده جمهوری اسلامی را با بحران‌های بسیار جدی مواجه خواهد کرد.

س- موقعیت سنت‌گراها چگونه است، آیا با سرکوب نیروهای ملی-مذهبی موقعیت آنها بهتر خواهد شد؟

ج- من میان دو مفهوم اصولگرایی و سنت‌گرایی تفاوت جدی قائل هستم. این معانی و مفاهیم در فرهنگ سیاسی مخرب ممکن است معانی دیگری هم داشته باشد اما در ادبیات سیاسی ایران باید آنها را درست معنا کرد. سنت‌گرایان کسانی هستند که اندیشه‌های رایج دینی، که محصول کنش میان دین و آداب و رسوم جامعه است و به صورت سنت دینی در آمده است را با اصل دین یکسان می‌گیرند. چه بسا سنت رایج دینی در میان مسلمانان، هیچ ریشه‌ای در قرآن و یا سنت نداشته باشد. تجربه تاریخی به ما نشان می‌دهد که روشنفکران دینی به مراتب بیشتر از سنت‌گرایان به این اصول پایبند هستند و پایبند مانده‌اند. اما شاید بتوان موقعیت سنت‌گرایان را موقعیت نیروئی در حال خروج از صحنه دانست هرچند که ریشه‌های عمیق تاریخی دارند. سنت‌گرایان افراطی که امروز تبدیل به راست افراطی شده‌اند خشونت‌طلبان خوانده می‌شوند. آنها به همان جایی خواهند رسید که طالبان رسیده‌اند، کما اینکه در چند ماه قبل برخی بزرگان راست با کمال صراحت اعلام کردند که حکومت ایده‌آل آنها حکومت طالبان در افغانستان است. (اشاره به خطبه‌های نماز جمعه آیت‌الله جنتی، پیش از حوادث اخیر نیویورک و افغانستان).

در بهترین شرایط آنها (سنت‌گرایان) مصداق اصحاب کهف در قرآن کریم می‌باشند. کسانی که در یک مقطع زمانی جوانان پرشور و بالنده و ظلم‌ستیز بودند و در مقابله با ظلم و ستم به کوهی متواری و به غاری پناهنده شدند و به موجب روایت قرآن ۳۰۹ سال در آن غار خوابیدند. هنگامی که بیدار شدند و از غار بیرون آمدند چنان از تغییرات ۳۰۰ ساله حیرت کردند که در خود توان تطبیق را نمی‌یافتند. به ناچار باز به غار پناه بردند و از خداوند درخواست کردند که به مرگ طبیعی از این دنیا بروند. سنت‌گرایان راست و افراطی، قادر به تطبیق خود با شرایط نیستند و چیزی را مطالبه می‌کنند که مربوط به دوران گذشته است حالا چگونه می‌توانند این مطلب را دریابند؟ شاید بتوان گفت که با تجربه!

س- بخشی از حملات علیه نیروهای ملی- مذهبی بخاطر پیشگامی آنها در جریان روشنفکری دینی است جریان روشنفکری و یا نواندیشی مذهبی در ایران تحت تاثیر چه افراد یا گروه‌هایی قرار دارد و کدامیک از افراد و سازمان‌های مذهبی بیشترین سهم را در این جریان دارند؟

ج- برای بررسی جریان نواندیشی مذهبی باید نگاهی داشته باشیم به تاریخ سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۸ به دوره مهندس بازرگان و جنبش غیردینی در دانشگاه‌ها. ما در آن دوره نمی‌توانستیم از موضع درون‌دینی با نیروهای غیر دینی احتجاج کنیم، بنابراین برخورد و مناقشه با افراد غیر دینی لاجرم از بیرون دین انجام می‌شد و اصولاً یکی از پایه‌های جنبش نواندیشی دینی، منطبق بیرون دینی است. مطلبی که سنت‌گرایان هرگز به آن توجه نکرده و به بازرگان و روشنفکران حمله می‌کنند و می‌گویند که چرا برای اثبات دین از علم استفاده می‌کنید. درحالیکه این خیلی طبیعی است که برای مخاطبینی که اعتقادی به دین ندارند باید از منطق بیرون دین استفاده شود.

با این مقدمه اگر به سؤال شما باز گردیم می‌توان گفت که جریان نواندیشی دینی بی‌تردید تحت تاثیر دیدگاه‌های بازرگان و علی‌شریعتی بوده است و از میان روحانیون، آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله مطهری بیشترین تأثیر را داشتند. در حال حاضر بین طیف قابل توجهی از روشنفکران دینی آقایان کدیور و شبستری جدی‌ترین تأثیرها را گذاشته‌اند و دکتر سروش جزء تأثیرگذاران غیر روحانی در این حوزه است. اگرچه دیدگاه‌های آقای کدیور به دیدگاه‌های کلاسیک بیشتر نزدیک است اما آقای شبستری گویا دارای منطق برخورد اسلامی و کلیدی است و به یک منطق فرادینی تکیه دارد.

س- چرا حجت‌الاسلام کدیور را یک نواندیش نزدیک به دیدگاه‌های کلاسیک می‌دانید؟ این بخاطر تقلید ایشان از آیت‌الله منتظری و رابطه شاگرد و استادی بین آنهاست؟ بنظر می‌رسد که اشتهار سالهای اخیر ایشان در حوزه نواندیشی دینی از آقای شبستری بیشتر است؟

ج- قطعاً آقای کدیور یک نواندیش دینی محسوب می‌شود، اما فرق ایشان و آقای شبستری در این است که آقای کدیور می‌کوشد از درون دین پاسخ‌های مناسب را بیابد. کدیور به خاطر بعضی از مسائلی که مطرح کرده بود به زندان رفت و رفتن وی به زندان باعث شد که مردم با وی آشنایی پیدا کنند، درحالیکه پیش از آن، ایشان اینگونه که اکنون مطرح است، مطرح نبود. شما اگر به مقالات آقای کدیور توجه بفرمائید، تفاوت بین ایشان و بینش آقای شبستری را خواهید یافت. اما به هر حال جریان روشنفکری دینی در بیان مواضع خود هم از درون و هم از بیرون دین به مسائل نگاه می‌کند و آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

در جزوه تفصیلی و تحلیلی نهضت آزادی در باره ولایت فقیه، که در سال ۱۳۶۶ منتشر شد و بسیاری از آثار مرحوم مهندس بازرگان و سایر متفکران در آن آمده، در شیوه استدلال پیرامون این مبحث توجه به هر دو منبع و روش دیده می‌شود. در آن جزوه در مورد ولایت فقیه هم احتجاج دینی، هم احتجاج مدنی، هم احتجاج بیرون دینی شده است. گاهی اوقات ممکن است مسئله‌ای از دیدگاهی حقوقی مورد بحث قرار گیرد، گاه از دید قانونی. برای مثال آقای منتظری در مورد رهبری آقای خامنه‌ای دو احتجاج کرده‌اند. یکی کلامی و یکی قانونی. می‌خواهم بگویم در صحبت با نواندیشان دینی باید دید که هرکدام از این افراد چه دیدگاهی دارند، از این دیدگاه می‌توان آنها را نواندیش مذهبی نامید یا خیر. مثلاً آیت‌الله صانعی را می‌توان یک نواندیش دینی محسوب کرد از آن جهت که در دیدگاه‌های کلاسیک فقه تجدیدنظرها را اساسی ارائه می‌دهد.

س- در زمینه فقه چه میزان تجدیدنظر شده است، آیا این تجدیدنظرها و صحبت درباره آن موضوع یک بحث جدی در قم است؟

ج- جنبش تجدیدنظر در باورهای دینی و فقه سنتی در میان روحانیون قم و بخصوص در بین مدرسین و طلبه‌های جوان بسیار جدی و بارز است. البته هنوز چیزی بصورت مدون ارائه نشده، اما این مسئله بطور جدی مطرح است. بعد از دو دهه حکومت روحانیون به نام دین در ایران هنوز بسیاری مسائل و مشکلات بی‌جواب مانده، هیچ جواب روشنی درباره شکل و محتوای اقتصاد اسلامی ارائه نشده و نوسانات بسیار تندی در جهات متناقض دیده می‌شود. حالا بسیاری از طلبه‌ها و مدرسین جوان به این اندیشه فرو رفته‌اند که فایده خواندن این درسها چیست؟ ۲۰ سال است که حکومت در دست روحانیون است و هنوز نمی‌توانند بگویند که بالاخره اقتصاد اسلامی چیست؟

اینکه گفته شود اقتصاد اسلامی نه اقتصاد سوسیالیستی است و نه اقتصاد سرمایه‌داری کافی نیست. در زمان میرحسین موسوی، تمام وسایل تولید و توزیع در دست دولت بود و یک اقتصاد کاملاً دولتی حاکم بود. در دولت‌های هاشمی رفسنجانی تعدیل اقتصادی بر اساس بازار مطرح شد و هر دو تفکر و عملکرد، اقتصاد اسلامی معرفی گردید. در حالیکه تفاوت‌های اساسی و کلیدی میان این دو وجود دارد. بنابراین سؤال باقی است، که اقتصاد اسلامی چیست؟ در حوزه علمیه برای دانشجویان جوان این مسئله مطرح است که این درسها نتوانسته به سئوالات ضروری جامعه ما جواب بدهد. در قلمرو مقولات سیاسی نیز وضع به همین منوال است. ۲۳ سال از انقلاب ایران گذشته است و هنوز خیلی از فقه‌های برجسته حوزه بحث می‌کنند که ما در اسلام حاکمیت ملت و انتخابات و آزادی‌های سیاسی نداریم! مفاهیم کلیدی حکومت هنوز مورد مناقشه است. بنابراین جنبش اصلاح‌طلبی در شکل فرهنگ دینی و نه سیاسی، در حوزه علمیه قم در حال رشد است و روحانیون در بین خود مسائل زیادی را مطرح می‌کنند. مثلاً در مجله "نقد و نظر" چاپ قم و یا "حکومت اسلامی" چاپ شورای نگهبان، مقالات و مباحث جالبی منتشر می‌شود. حائری یزدی، پسر موسس حوزه علمیه قم - فیلسوف و روحانی برجسته، نظریه‌ای را مطرح کرده‌است به نام مالکیت مشاعی، به این معنا که کشور به همه مردم ایران تعلق دارد و هر یک از ۶۰ میلیون نفر مردم ایران مالکین مشاعی ایران هستند. این مالکین مشاعی می‌توانند نمایندگانی را به وکالت انتخاب و از طرف خود اداره این ملک وسیع را به دست آنها بسپارند. وکالت مجلس را در برابر مفهوم ولایت مطرح کرده است. مطلب ایشان در مجله "نقد و نظر" چاپ شده است. از سوی بزرگان حوزه به وی پاسخ داده شد و حائری هم جواب داد.

می‌خواهم بگویم که در این مجلات تئوری که مختص خواص است و در قم منتشر می‌شود این مباحث به طور جدی مطرح است. البته هنوز یک تحول اساسی و مشهود در قلمرو نگرشهای فقه دیده نمی‌شود.

س- واقعاً شما فکر می‌کنید در اوضاع بسیار متحول امروز ایران مسئله روشنگری و یا نواندیشی مذهبی و بحث‌هایی که شما می‌گوئید هنوز خواص در آن شرکت دارند مقولاتی مهم و جدی است؟ آنقدر جدی که روی تحولات دینی سایر کشورهای مسلمان هم تاثیرگذار باشد!

ج- نواندیشی دینی و روشنفکری دینی یک پدیده زنده و بسیار مهم و جدی در ایران است. پیشرفت و موفقیت آن در ایران بر سراسر جهان اسلام تاثیر می‌گذارد. ایران و سایر کشورهای اسلامی دوران جابجایی یا تغییر و تحول تاریخی از یک جامعه سنتی به یک جامعه مدرن را می‌گذرانند. در تمامی این

کشورها تعارض یا تقابل میان سنت و مدرنیته یک پدیده و بحث جدی است. تا زمانی که این تعارض و تقابل حل نشود این جوامع وارد عصر توسعه اقتصادی و سیاسی نخواهند شد. مدرنیته مقولات زیربنایی بسیار عمیقی دارد، مثل عقلانیت و خردورزی. شما نمی‌توانید در یک جامعه صحبت از مدرنیته بکنید بدون قبول نقش عقلانیت در شکل‌گیری مناسبات. یکی از عناصر اصلی جامعه مدرن، تکثر عقاید و آرا است. جابجایی تغییر و تحول بهداشتی در ایران یا سایر کشورهای اسلامی هنگامی میسر است که مبانی و مقولات اساسی مدرنیته در متن فرهنگ و باورهای ملی ادغام شود و شکل بومی یا ملی پیدا کند. تحقق این مهم مشروط به این است که هم اصول مدرنیته را بشناسیم و هم به مبانی فرهنگ بومی خود اشراف داشته باشیم. در این صورت است که ما خواهیم توانست با قدرت و با اتکا، به نفس عناصر شناخته شده غربی را گرفته و در قالب فرهنگ ملی، ایرانی و اسلامی خودمان پیاده کنیم. این رسالتی است که عمدتاً به عهده روشنفکران است. به محض اینکه این سنتز انجام گیرد، یکی از مهم‌ترین معضلات تاریخی اجتماعی کشور ما حل می‌شود. اگر این مشکل در ایران حل شود طبیعی است که الگو و سرمشق برای سایر کشورهای مسلمان خواهد شد.

س- این جنبش و چالش دینی که شما از آن بعنوان روشنفکری دینی یاد می‌کنید، در نیم قرن گذشته تا چه میزان در ایران قرین موفقیت بوده است؟

ج- ما پیروزی در انقلاب اسلامی ایران را محصول همکاری دو جریان اصلی اسلامی، شامل روشنفکران دینی و روحانیون می‌دانیم. به عنوان مثال انقلاب ایران موقعیت زنان ایرانی را به طور جدی و اصولی تغییر داده است. در دوران انقلاب میلیون‌ها زن ایرانی جایگاه سنتی خود را که درون خانه محصور و محدود بود ترک کردند و به همراه مردان خود به خیابانها آمدند و به شدت سیاسی شدند. بعد از انقلاب هیچکس نمی‌توانست به آنها بگوید که به خانه‌هایتان برگردید. روحانیون و مراجع قم در زمان انقلاب نمی‌توانستند با مشارکت سیاسی زنان مخالفت کنند. در آغاز پیروزی انقلاب بسیاری از روحانیون مخالف حق رأی زنان بودند، اما آنها جرأت نمی‌کردند این نظر خودشان را مطرح کنند. آقای خمینی هم مشارکت زنان را لازم می‌دید و می‌دانست که بدون زنان انقلاب شکست خواهد خورد.

س- سهم آقای منتظری در این جنبش روشنفکری چه میزان است؟

ج- آقای منتظری یک شخصیت علمی برجسته است با تمام معیارهای حوزوی. وی یک روحانی است که پنج جلد کتاب "حکومت اسلامی" وی یک دایره‌المعارف است. از لحاظ اعتبار سیاسی هم ایشان از تمامی آنهایی که در حوزه‌ها مبارزه کردند قوی‌تر و قدیمی‌تر است. ایشان کارنامه مهمی در زمینه مبارزات ضد استبدادی دارد و به طور طبیعی اگر قرار بود که ولایت فقیه در ایران بماند بعد از آقای خمینی همه نگاه‌ها متوجه ایشان بود. البته، آیت‌الله منتظری اگرچه دارای نوآوری‌هایی در قلمرو فقه است اما وی یک روشنفکر دینی محسوب نمی‌شود بلکه احیاگر و یا مصلح دین به شمار می‌رود.

س- علیرغم این همه ایشان در خانه‌شان محبوس هستند چرا طی سال‌های گذشته به دادگاه ویژه روحانیت احضار نشده‌اند؟

ج- هم جرات آن را ندارند و هم فضای سیاسی کنونی ایران متفاوت‌تر از آنست که بتوانند دست به چنین اقداماتی بزنند.

س- منتظر درگذشت ایشان هستند؟

ج- مرگ و زندگی دست خداوند است، اما اگر در شرایط حاضر اتفاقی برای ایشان بیافتد حاکمیت با مشکلات جدی روبرو خواهد شد. شما توجه داشته باشید که میلیون‌ها ایرانی مسلمان مقلد ایشان هستند و هیچ تضمینی وجود ندارد که بعد از ایشان این مقلدین به روحانیونی روی بیاورند که هم‌سنگ و هم وزن ایشان نیستند! بویژه اینکه ایشان در حال حاضر، هم مرجع تقلید دینی است، هم منتقد جدی رفتارهای حکومت و هم مغضوب روحانیونی که مردم از آنها روی برگردانده‌اند. به این ترتیب، ایشان علاوه بر مقام مذهبی مورد وثوق سیاسی مقلدین و حتی مذهبیونی است که مقلد دینی ایشان هم نیستند اما جسارت و بینش انتقادی ایشان در باره وضع موجود حاکمیت را قبول دارند و از آن تقلید هم می‌کنند.

س- بطور کلی شما چه جریانی را در مقابل جریان روشنفکری مذهبی و اصلاحات در ایران می‌بینید؟ آیا این جریان فقط در تشکلهای نه چندان آشکار مربوط به مدرسه حقانی متمرکز است؟

ج- تقابل با روشنفکری دینی و اصلاحات را نباید به فارغ‌التحصیلان مدرسه حقانی محدود کرد و همه آنها هم در این طیف قرار ندارند. در برابر روشنفکران دینی طیف وسیعی از فقهای سنتی حوزه‌ها قرار دارند. سایر اقشار و گروه‌هایی نظیر سرمایه‌داری تجاری و جمعیت مولفه اسلامی هم هستند که در برابر اصلاحات ایستاده‌اند. شما باید توجه داشته باشید که جریان تقابل با اصلاحات، نواندیشی، تحول دینی و در برابر روشنفکری مذهبی ایران معاودین عراقی سهم برجسته‌ای دارند. بررسی عملکرد بسیار جدی و مهم معاودین عراقی در ایران بعد از انقلاب اسلامی نیازمند تحقیق و یک کار مستقل است.

س- بازگردیم به مسائل روز، موقعیت نهضت آزادی در ایران، زندانی بودن عده‌ای از یاران شما، شایعاتی که پیرامون بازگشت و یا عدم بازگشت شما به کشور و حتی شایعاتی که پیرامون برخی رایزنی‌های شما در خارج از کشور مطرح است و در ایران هم، پس از جریان‌های اخیر آمریکا و افغانستان بصورت زیرگوشی دهان به دهان می‌شود. من یکی از این زمزمه‌های داخل کشور را می‌خواهم بصورت سؤال مطرح کنم. این درست است که شما مشغول مذاکره با مقامات دولت آمریکا هستید؟

ج- خیر! من در هیچ شرایطی و در هیچیک از سفرهایم با هیچ مقام رسمی دولتی آمریکا در تماس نبوده و نیستم و علاقه‌ای هم به چنین تماس‌هایی ندارم. من اصلاً از اقامت در آمریکا خوشم نمی‌آید و هرگز هم نیامدم که باز نگردم اگرچه فرزندانم اینجا هستند و در حال حاضر برای معالجات پزشکی‌ام اجباراً اینجا هستم. در هر صورت از این سفر و اقامت اجباری راضی نیستم و انشاءالله به زودی به ایران مراجعت خواهم کرد.

س- حکم بازداشت شما در تهران صادر شده است. آیا در صورت بازگشت به ایران خطری شما را تهدید نمی‌کند؟ از اینکه به جمع همفکران و یارانتان در زندان‌های غیرعلنی و به سلولهای انفرادی ببینید نگران نیستید؟ از شبح اعتراف زیر فشارهای روانی نمی‌ترسید؟

ج- آنهایی که شایعه مذاکرات من در آمریکا را پخش می‌کنند و یا مرا تهدید به دستگیری می‌کنند هدفشان اینست که من بترسم و به ایران باز نگردم. فکر می‌کنند که با ارزان‌ترین هزینه از دست من خلاص خواهند شد و بعد هم خواهند گفت که یزیدی ترسید و نیامد.

آنها پیش خودشان چنین اندیشیده‌اند که اگر فلانی را پس از بازگشت به کشور بازداشت کنیم، در آن صورت هزینه سیاسی این بازداشت را آقای خاتمی پرداخت خواهد کرد. به هر حال من چه بازداشت شوم و یا بازداشت نشوم به ایران باز خواهم گشت.